



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صفحات ۳۳-۹

## مداخله‌های دولت در بازار هنرهای نمایشی ایران: تجربیات و دلالت‌های سیاستی

زهرا خوشبوئی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد هنر دانشگاه امام رضا (ع)

محمد حسینی

استادیار اقتصاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمدعلی ابوترابی<sup>۱</sup>

دکتری علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۳)

### چکیده

مداخله‌های دولت می‌تواند نقش بسیار با اهمیتی در روند تولیدات بازار داشته باشد. از آن جایی که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مداخله‌های دولت در بازار وجود دارد، این مقاله با استفاده از روش تحلیل آمارهای توصیفی به بررسی انواع دیدگاه‌ها در این زمینه و بررسی وضعیت کنونی مداخله‌های دولت در بازار تولید تئاتر ایران می‌پردازد. به منظور تبیین آثار مداخله‌های دولت در بازار تئاتر از داده‌های مربوط به تولیدات تئاتر در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ استفاده شده است. نتایج این مقاله گویای آن است، دولت از طریق توسعه زیرساخت‌ها، مقررات‌زایی، انحرافات قیمتی و برخی سیاست‌های صلاح‌دیدی تلاش نموده تا بازار را کنترل نماید، اما این مداخله‌ها اثربخشی مورد انتظار را نداشته است. همچنین این مقاله، دلالت‌های سیاستی تجربه ایران از مداخله دولت در بازار تولید تئاتر را مورد بحث قرار می‌دهد. این دلالت‌ها پیشنهاد می‌کند که دولت، سیاست‌های مداخله‌گرایانه خود را به گونه‌ای تنظیم کند که به توسعه بیشتر زیرساخت‌ها، عدم تجاوز مقررات‌زایی از حد بهینه، حداقل پیچیدگی قوانین و فرآیندها و نیز حداقل انحراف در قیمت نهاده‌ها و ستاده تئاتر منجر شود و علاوه بر این‌ها، از هرگونه مداخله صلاح‌دیدی پرهیز نماید.

**واژگان کلیدی:** عملکرد دولت، هنرهای نمایشی، سیاست عمومی، مداخله دولت

<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) Email: [aboutorabi.econ@gmail.com](mailto:aboutorabi.econ@gmail.com)

## ۱- مقدمه

از اواخر قرن بیستم با افزایش شناخت فرهنگ در تنوع گفتمان‌ها از جامعه‌شناسی تا هنر و اقتصاد، به نظر می‌رسد شکاف رو به گسترشی بین این حوزه‌ها پدید آمده بود. از آن زمان، مطالعات بسیاری در حوزه مداخله‌های دولت در بازار ارائه شده است. به طور کلی، مبحث مداخله‌های دولت در بازار، در برگیرنده دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه است که با استدلال‌های خود، مداخله و یا عدم مداخله دولت در بازار را توجیه می‌کنند.

اقتصاددانان فرهنگ در سراسر جهان به منظور توجیه مداخله‌های دولت در بازار هنر، از نظریات اقتصاد رفاه و مالیه عمومی که طی سال‌ها در سایر حوزه‌های سیاستگذاری عمومی به کار رفته، استفاده کرده‌اند. به این منظور، اقتصاددانان فرهنگ، برای توجیه مداخله دولت در هنر بیان می‌کنند که فعالیت هنری، فعالیتی استثنایی (ابینگ، ۱۳۹۲)، دارای پیامدهای بیرونی مثبت، مورد نیاز برای نسل‌های آینده (تراسبی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ کوی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰؛ پیکاک، ۱۳۹۲: ۱۵۶)، دارای ارزش‌های غیر بازاری (أهاگان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۲۲)، بی‌ثبات در تقاضا (کیوز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰)، نیازمند آموزش تقاضاکنندگان (برانتلند<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) و دارای بی‌ثباتی عایدی‌های مالی (بامول<sup>۶</sup>، ۱۹۶۷) هستند. به همین دلیل، دولت‌ها را موظف به مداخله در بازار، به نفع هنر می‌دانند.

این مقاله، با مرور انتقادی نظریه‌های رقیب در مورد مرز دولت و بازار، به تبیین دلالت‌های سیاستی مداخله‌های دولت ایران در بازار هنرهای نمایشی، طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ می‌پردازد. لذا، بخش دوم به ادبیات موضوع اختصاص دارد. بخش سوم، با بیان تجربه ایران، انواع مداخله‌های دولت و کارآیی تولید تئاترها را با استفاده از روش پیمایشی و تحلیل آمارهای توصیفی ارزیابی می‌کند. سرانجام، بخش چهارم، دلالت‌های سیاستی مداخله‌های دولت را مورد بحث قرار می‌دهد.

## ۲- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از طریق مرور انتقادی ادبیات موضوع، به تبیین نظری مرز کارآیی مداخله دولت در بازار می‌پردازد و بر اساس مشاهدات میدانی و نظر خبرگان، انواع مداخله‌های دولت در هنرهای نمایشی را دسته‌بندی می‌کند. داده‌های لازم برای محاسبه شاخص‌های مورد مطالعه

<sup>1</sup>- Throsby

<sup>2</sup>- Cwi

<sup>3</sup>- O'Hagan

<sup>4</sup>- Caves

<sup>5</sup>- Brundtland

<sup>6</sup>- Baumol and Bowen

(میزان مداخله دولت و کارآیی بازار)، با استفاده از روش پیمایشی، از تولیدکنندگان تئاتر و مراکز اجرایی در قالب پرسش‌نامه (با ماهیت ذیل) جمع‌آوری و مقادیر شاخص‌ها برای ۱۱۵ تئاتر تهران محاسبه شده است. در نهایت، با تحلیل زوج‌های مرتب مداخله و کارآیی (به تفکیک هر نوع مداخله)، دلالت‌های سیاستی برای افزایش اثربخشی مداخله‌های دولت در بازار هنرهای نمایشی، ارائه می‌شود.

جدول ۱- ماهیت مصاحبه‌شوندگان

عنوان خبرگان	سمت خبرگان	تعداد خبرگان
مدیران سالن‌های دولتی و غیر دولتی و همچنین مدیران اداره کل هنرهای نمایشی و انجمن نمایش	هفت نفر از مدیران سالن‌های دولتی سه نفر از مدیران دولتی اداره کل هنرهای نمایشی یک نفر مدیر نمایش دو نفر مدیر سالن غیر دولتی	۱۳ نفر
کارگردانان	۱۲ نفر از کارگردانان مطلع و آگاه در حوزه نمایش	۱۲ نفر
اقتصاد دادان	۵ نفر از افراد با مدرک دکتری در زمینه اقتصاد و فعال در زمینه اقتصاد هنر	۵ نفر
کارشناس آمار	یک نفر کارشناس آمار و فعال در زمینه علوم اجتماعی	۱ نفر

### ۳- ادبیات موضوع

به طور کلی، آنچه درباره مداخله‌های دولت حائز اهمیت است، نوع نگرش اقتصاددانان به مداخله و یا عدم مداخله دولت در بازار است. همان‌گونه که اشاره شد، دو دسته از دیدگاه‌ها درباره مداخله‌های دولت وجود دارد: الف) دیدگاه‌های خوش‌بینانه و ب) دیدگاه‌های بدبینانه. هر کدام از این دیدگاه‌ها توجیحات خود را ارائه می‌دهند. به طور کلی، دیدگاه‌های خوش‌بینانه به سه دیدگاه اقتصاد کلان<sup>۱</sup>، اجتماعی<sup>۲</sup>، توسعه‌ای<sup>۳</sup> تقسیم می‌شود.

<sup>۱</sup> - Macroeconomic view

<sup>۲</sup> - Social view

<sup>۳</sup> - Development view

دیدگاه اقتصاد کلان، به منظور تثبیت چرخه‌های تجاری، مبارزه با نابرابری اجتماعی، تخفیف عدم تقارن اطلاعات، وجود پیامدهای بیرونی و نیاز به اعمال سیاست‌های صلاح‌دید<sup>۱</sup> اقتصاد کلان، ایجاد اشتغال کامل و عدم تخصیص بهینه منابع توسط بازار و وجود وجود شکست‌های بازار، مداخله‌های دولت در اقتصاد را مجاز می‌داند (اسمیت<sup>۲</sup>، ۱۷۷۶؛ دیویدسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴؛ کینز<sup>۴</sup>، ۱۹۳۶؛ مارکس<sup>۵</sup>، ۱۸۴۸).

اقتصاددانان دیدگاه اجتماعی بر این باورند که نقش بخش عمومی، جبران شکست بازار، برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه منابع و پیگیری اهداف اجتماعی، کلیدی است (آتکینسون و استیگلitz<sup>۶</sup>، ۱۹۸۰؛ استیگلitz<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴).

در نهایت، دیدگاه توسعه‌ای بیان می‌دارد که شکست بازار<sup>۸</sup> در تحقق اهداف توسعه، افزایش بازده کارآفرینی با پرداخت یارانه و سرمایه‌گذاری‌های مشترک دولتی و خصوصی، مداخله دولت در اقتصاد موجه است (کلارک و یونگ<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲؛ آدلمن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰؛ هیرشمن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۵۸).

با توجه به دیدگاه توسعه‌ای بعضی از اقتصاددانان فرهنگ موافق مداخله دولت در بازار هستند. فازیولی و فلیپینی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) معتقدند که اصلاح سیستم یارانه‌ها می‌تواند به افزایش کیفیت تئترهای داخلی و حل مشکل افت کیفیت آن‌ها کمک کند. ویتزل و لست<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۱) معتقدند که بیماری هزینه<sup>۱۳</sup> را می‌توان از طریق مداخله دولت اصلاح نمود و به سطوح بالاتر بهره‌وری دست یافت. اگر چه که بر اساس استدلال خود بامول (۱۹۹۳)، بیماری هزینه تا حد زیادی یک توهم مالی<sup>۱۴</sup> می‌باشد. بدین معنی که اگر تولیدکنندگان با افزایش قیمت افزایش هزینه را پوشش دهند، تقاضا برای اجزای زنده به خصوص برای گروه‌های کم‌درآمد کاهش خواهد یافت. این بازار، زمانی که به حال خود رها شود، قادر به تضمین سطح کارایی فعالیت در هنر نیست (بارگوناوی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۵؛ ۱۷). فان‌درپلوخ<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۶) معتقد است که دولت با

<sup>1</sup> - Discretionary policy

<sup>2</sup> - Smith

<sup>3</sup> - Davidson

<sup>4</sup> - Keynes

<sup>5</sup> - Marx

<sup>6</sup> - Atkinson and Stiglitz

<sup>7</sup> - Market failures

<sup>8</sup> - Clark and Jung

<sup>9</sup> - Adelman

<sup>10</sup> - Hirschhausen

<sup>11</sup> - Fazioli and Filippini

<sup>12</sup> - Wetzel and Last

<sup>13</sup> - Cost disease

منظور از بیماری هزینه این است که تولیدات هنری به استفاده از نیروی کار وابسته هستند و کیفیت آثار هنری همواره ثابت است و همچنین، تقاضا برای این آثار ثابت است و هیچ پیشرفت تکنیکی در آن صورت نمی‌گیرد. بنابراین، با افزایش دستمزد، میزان درآمد افزایش نیافته و با ایجاد شکاف عوایدی منجر به عدم تولید می‌شود.

<sup>14</sup> - Fiscal illusion

<sup>15</sup> - Boronovi

<sup>16</sup> - Van der Ploeg

پرداخت‌هایی مانند بن‌های خرید و یارانه می‌تواند به افزایش تقاضا و ایجاد انگیزه تولید کمک نماید. لین و دیگران<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با تأیید مداخله دولت در بازار هنر بیان کرده‌اند که دولت می‌تواند با مداخله خود شکست بازار را کنترل نماید.

مک‌کین<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) و کیوز (۱۹۸۰) و فلد<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) به واسطه دلالت‌های هنجاری، مداخله‌های دولت در هنر را به صورت پرداخت یارانه توجیه کرده‌اند. راسل<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) معتقد بود که هنر به عنوان کالای شایسته نیازمند مداخله دولت است. فری<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) معتقد است که مداخله دولت در بازار هنر بسیار ضروری است و باید در راستای افزایش خلاقیت و تولید هنر باشد. از نظر او مداخله دولت در هنر باعث ایجاد انگیزه تولید می‌گردد و پرداخت یارانه باید در راستای افزایش انگیزه باشد. برلنت<sup>۶</sup> (۱۹۸۰) و هاروویتز<sup>۷</sup> (۱۹۸۸)، واگون<sup>۸</sup> (۱۹۷۷) تحقیقات مشابهی بر روی راهکارهای توجیه یارانه در هنر انجام دادند. تراسبی (۲۰۰۱: ۱۴۰) با در نظر گرفتن هنر به عنوان کالای استحقاقی، ارزشمند بودن آثار هنری و کمبود تقاضای مؤثر جامعه، مداخله دولت در بازار هنر را توجیه می‌کند.

از طرفی دیگر، دیدگاه سیاسی<sup>۹</sup> معتقد به عدم مداخله دولت در بازار است. این دیدگاه بیان می‌کند که دولت نیز مانند بازار می‌تواند در شرایط شکست قرار بگیرد؛ که شکست بازار نامیده می‌شود. این شکست می‌تواند در تخصیص منابع، اشتغال عوامل، اهداف توسعه‌ای، حفظ حقوق افراد و در حفظ تعادل بین‌الملل باشد (منگر<sup>۱۰</sup>، ۱۸۷۱). همچنین، بازار با وجود قیمت‌های هشداردهنده و ایجاد شرایط انحصار می‌تواند به ایجاد خلاقیت و نوع‌آوری در تولید کمک نماید. وجود معیارهای آزادی اقتصادی، حاکمیت بازار آزاد، ایجاد انگیزش‌های سرمایه‌گذاری، مداخله دولت در بازار را نفی می‌کند. البته وجود دولت به عنوان متضمن پرداخت حداقل دست‌مزد، برای افراد تهی‌دست بلامانع است. این گروه از اقتصاددانان معتقد به کنارگازدن قیمت‌های دستوری<sup>۱۱</sup> و برقراری قیمت‌های بازاری تحت عنوان اصلاحات قیمتی<sup>۱۲</sup> هستند (هایک<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۱؛ فریدمن، ۱۳۶۷).

<sup>۱</sup> - Lin et. al

<sup>۲</sup> - McCain

<sup>۳</sup> - Feld

<sup>۴</sup> - Russell

<sup>۵</sup> - Frey

<sup>۶</sup> - Berleant

<sup>۷</sup> - Horowitz

<sup>۸</sup> - Vaughan

<sup>۹</sup> - Political view

<sup>۱۰</sup> - Menger

<sup>۱۱</sup> - Administered Price

<sup>۱۲</sup> - Correction price

<sup>۱۳</sup> - Hayek

در این راستا، مَتر و مارسلین<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) معتقدند که آن چه به عنوان شکست بازار مشاهده می‌شود، در حقیقت، شکست نهادهایی است که به خوبی توسعه نیافته‌اند. بنابراین، توجیهی غیرسیاسی برای مداخله دولت قائل نیستند.

بسیاری از موافقان این دیدگاه، مخالف مداخله دولت در قیمت‌ها نیستند بلکه معتقدند که ورود دولت موجب ناکارایی بازار می‌شود و دولت تنها موظف به نظارت بر اجرای قوانین بازار است. با توجه به تئوری دست‌گیرنده<sup>۲</sup> که مداخله دولت را در بازار توجیه می‌کند، بنگاه‌هایی که توسط دولت کنترل می‌شوند کارایی پایینی دارند، زیرا دولت با در دست گرفتن بازار و ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری منجر به ایجاد رقابت بنگاه‌ها بر سر کسب سود می‌شود، اما در نهایت، به واسطه تضاد برنامه‌های این بنگاه‌ها و عدم تطابق با سیاست‌های دولت با شکست پروژه و کاهش سرمایه‌گذاری روبه‌رو می‌شوند (اشلايفر و ویشنی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). همچنین وجود یارانه با توجیه ارزشمند بودن هنر قابل قبول نیست، زیرا فعالیت‌های هنری مانند بیس‌بال، مد و فعالیت‌های مذهبی نیز با فرض ارزشمند بودن، بدون یارانه هم می‌توانند به حیات خود ادامه دهند، زیرا کسانی که از این فعالیت‌ها لذت می‌برند حاضر هستند هزینه آن‌ها را بدون توجه به دیگران بپردازند. البته بازار نیز با نارسایی‌هایی همچون پیامدهای بیرونی و سایر شکست‌های بازار مواجه است، اما شکست‌های بازار هنر الزاماً بدین معنی نیست که دولت باید مداخله کند. فعالیت‌های دولت خصوصاً در عرصه فرهنگ با نارسایی‌هایی مواجه است (وندن‌هاگ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸: ۶۵؛ فری، ۲۰۰۰: ۱۰-۹).

دیدگاه سیاسی ادعا می‌کند که علت توجیه مداخله‌های دولت توسط سیاستمداران، حداکثر کردن اهداف شخصی سیاستمداران و ایجاد رانت به نفع فرصت‌طلبان است. این امر برای هدایت وجوه به سوی کاربردهای بهینه اجتماعی نیست. وجود رانت می‌تواند، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، مدیران و تاجران را از فعالیت تولیدی منحرف کند، منابع کمیاب را از بین ببرد و رشد اقتصادی را کاهش دهد (لاپورتا، لویز-دی-سیلانوس و اشلايفر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲؛ کروگر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۴). بعضی از اقتصاددانان فرهنگ نیز معتقدند که نظام‌های سیاسی نشان‌دهنده ترجیحات رأی‌دهندگان نیست؛ زیرا همواره سهم اندکی از بودجه عمومی بر مبنای فشارهای سیاسی صرف هنر می‌شود (فری، ۲۰۰۰؛ شولز و آراسپرانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). این واقعیت وجود دارد که

<sup>۱</sup> - Mathur & Marcelin

<sup>۲</sup> - Grabbing hand

اصطلاح *Grabbing hand* در مقابل اصطلاح دست نامرئی (*Invisible hand*) قرار دارد و در این پژوهش، به عنوان اصطلاح «دست گیرنده» ترجمه شده است.

<sup>۳</sup> - Shleifer and Vishny

<sup>۴</sup> - Van Den Haag

<sup>۵</sup> - La Porta, Lopez-de-Silanes, and Shleifer

<sup>۶</sup> - Krueger

<sup>۷</sup> - Schulze and Ursprung

ارزش بعضی از تولیدات هنری را نمی‌توان بر مبنای درآمدزایی آن‌ها ارزش‌یابی کرد و بیشتر تولیدات هنری درآمدزا نیستند. اما سیاست‌های دولتی جنبه‌های آسیب‌زایی برای هنر دارد. زیرا از یک طرف مداخله به نفع نخبگان خاص، موجب به وجود آمدن رانت‌خواری از بودجه‌های کلان شده و از طرف دیگر، موجب محو شدن نقش صاحبان اندیشه از هنر می‌شود (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

اندرسون و هایامی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) و شیف و والدس<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) بیان می‌کنند که مداخله‌های دولتی به نفع نخبگان خاص مانند ایجاد شرایط کاهش مالیات صادرات ارز گران نه تنها فساد را تقویت می‌کند، بلکه ابزار نخبگان خاص به منظور ارتقای پیش‌برد اهداف دولت به عنوان بخشی از درآمد خودشان (دولت) محاسبه می‌شود و منجر به ایجاد انحصار در بازار و بهره‌کشی از عموم جامعه می‌گردد. همچنین، کروگر (۱۹۷۴: ۲۹۳) بیان می‌کند بخش‌های دولتی (زمامداران) به منظور ایجاد انگیزه، منابع را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بین کارگزاران خود تقسیم می‌کند و شرایط رانت را برای آن‌ها فراهم می‌آورد. بنابراین، رقابت برای ورود دولت در بازار تا حدی رقابت برای دریافت و ایجاد رانت می‌باشد. البته فقط دولت بر بازار تأثیرگذار نیست، بلکه پیوندهای اجتماعی<sup>۳</sup> نیز بر بازار مؤثر هستند (پولانی<sup>۴</sup>، ۱۹۵۷: ۱۴۱-۱۴۰).

در دیدگاهی بینابین، دیدگاه نمایندگی<sup>۵</sup> به مبادله سیاستی کارآیی تخصیصی و کارآیی داخلی (یعنی توانایی شرکت‌های عمومی برای اجرای فرامینشان) توجه می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا هزینه‌های نمایندگی برآمده از بوروکراسی‌های دولتی، عواید اجتماعی ناشی از مداخله بخش عمومی را در حضور نقایص بازار جبران می‌کند؟ (بیاتی و دیگران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). دود، بیاتی و ناگنگست<sup>۷</sup> (۲۰۱۶)، با تکیه بر همین دیدگاه، به صورت تجربی نشان دادند که مداخله دولت در بازار ارز اقتصادهای نوظهور، موفق بوده است. در نقطه مقابل، پناتر و دیگران<sup>۸</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند که مداخله دولت در نهادهای مالی، حین و بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸، ناکارآ بوده و هم ثروت این نهادها را کاهش داده و هم ریسک آن‌ها را افزایش داده است.

<sup>۱</sup> - Anderson and Hayami

<sup>۲</sup> - Schiff and Valdés

<sup>۳</sup> - دولت و پیوندهای اجتماعی، درهم تنیده هستند. این پیوندهای اجتماعی متشکل از چهار جزء می‌باشد که دولت، انجمن‌ها، طبقات اجتماعی، کانون‌های مقتدر غیراقتصادی مانند مذهب و جنسیت، جزء این پیوندهای اجتماعی هستند (ون بندا- بکمن و وان میجل، ۱۹۹۹، ص. ۴۴-۳۳).

<sup>۴</sup> - Polanyi

<sup>۵</sup> - Agency view

<sup>۶</sup> - Yeyati, et al.

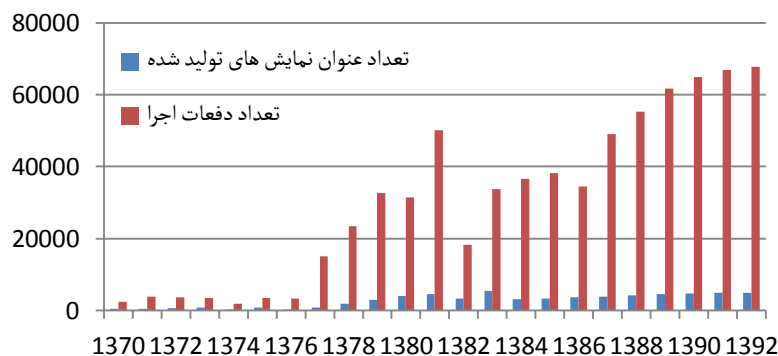
<sup>۷</sup> - Daude, Yeyati and Nagengast

<sup>۸</sup> - Pennathur et al.

در مجموع، دیدگاه‌های متفاوت اقتصاددانان نسبت به مداخله‌های دولت در بازار هنر، نشأت گرفته از نوع نگاه آن‌ها به ویژگی عمومی بودن کالا و خدمات، وجود شکست‌های بازار هنر، انگیزه سیاسی دولتمردان از مداخله، پیامدهای بیرونی مثبت هنر، وجود ارزش‌های غیر بازاری هنر و یا توجه به ویژگی‌های خاص و متفاوت هنر است.

#### ۴- تجربه ایران در خصوص مداخله‌های دولت در بازار تئاتر

در ایران هر ساله بودجه‌ای<sup>۱</sup> به تئاتر تعلق می‌گیرد. وضعیت هنرهای نمایشی با توجه به گستره مخاطب و نرخ رشد آن (شکل‌های ۱ و ۲) و همچنین ظرفیت‌های برشمرده برای هنرهای نمایشی در ایران، ذی‌نفعان و ذی‌نقشان متعددی را برای این هنر در دل خود جای داده است. از جمله اینان در سطح اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و در سطح دوم، اداره کل هنرهای نمایشی و در سطوح بعدی، سازمان‌های متولی دیگری وجود دارند.<sup>۲</sup>

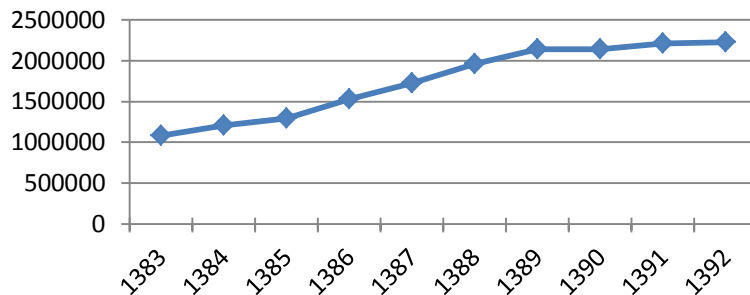


شکل ۱- تعداد دفعات اجرا و تعداد نمایش‌های اجرا شده؛ منبع: فتحي (۱۳۹۲).

<sup>۱</sup> در ایران در بسیاری از موارد، یارانه تحت عنوان بودجه پرداخت می‌شود.

<sup>۲</sup> سازمان‌های حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و کانون پرورش فکری کودک و نوجوان





شکل ۲- تعداد مخاطبان نمایش‌های اجرا شده؛ منبع: فتیحی (۱۳۹۲).

در دهه ۱۳۸۰، سیاست‌های دفاع از حقوق صنفی پدیدآورندگان، سیاست‌های مالی، ایجاد صندوق اعتباری و بیمه‌ای، سیاست‌های ارزی و بازرگانی برای تشکیل بازار بین‌المللی هنر، توزیع مناسب امکانات و منابع برای رونق سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ، برنامه‌های حمایت از نهادهای اقتصادی بخش فرهنگ را می‌توان به عنوان مداخله‌های دولت در بازار هنر نام برد (مریدی و تقی‌زادگان؛ ۱۳۹۰: ۱۱۲)، اما در این برنامه‌ها هیچ‌گاه به تئاتر به صورت بخش مستقل پرداخته نشده است.

پرداخت یارانه همیشه به ایجاد بازاری کارآ نمی‌انجامد، زیرا هزینه‌های توزیع یارانه، وقوع رانت‌جویی، توزیع نابرابر منافع در جامعه و پیامدهای غیراقتصادی و فرهنگی را در پی خواهد داشت. دولت در مقاطعی راهکارهایی را جهت ایجاد رونق در بخش فرهنگ ارائه نموده که از جمله آن می‌توان به برنامه توسعه سوم، چهارم و پنجم اشاره نمود<sup>۱</sup>، اما همواره دولت محکوم به عدم توجه به بخش هنر بوده است. این محکومیت دولت نشأت گرفته از: ۱) عدم تفکیک بودجه دولتی بخش هنر، خصوصاً تئاتر از سایر بخش‌های فرهنگ ۲) عدم تفکیک بخش صنایع فرهنگی از هنرهای آفرینشی ۳) توزیع نامناسب یارانه‌های دولتی در بخش‌های مختلف فرهنگ است (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

به لحاظ نظری می‌توان این مداخله‌های دولت را در چهار دسته تقسیم کرد: الف) توسعه زیرساخت‌ها (ب) انحراف‌های قیمتی (ج) رفتارهای صلاح‌حیدی (د) مقررات‌زایی.

<sup>۱</sup> - ر. ک. مقاله مریدی و تقی‌زادگان (۱۳۹۰).

## الف) توسعه زیرساختارها

پیکاک<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) معتقد است سرمایه‌گذاری دولت در بخش هنر می‌تواند از طریق توسعه زیرساختارها<sup>۲</sup> به توسعه بخش فرهنگ کمک کند (مثل ساختن مجموعه تئاتر شهر در تهران). به طور ضمنی، چنین مداخله‌ای قبل از هر چیز در رابطه با اهداف مالی مطرح شده بر اساس شاخص‌های عملکرد تصمیم‌گیری می‌کند، مانند تعداد مشخصی از اجراها در سال و یا تعداد نمایش‌های تولید شده تک‌نفره و غیره. اولین مشکل در تعیین ساختار بودجه عمومی، الزام ایجاد تعداد مشخصی از قراردادهای سالانه است که بخشی از درآمد مجموعه را شامل می‌شود. با توجه به این که تولید باکیفیت تئاتر، قربت نزدیکی با کمیّت و کیفیت زیرساختارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد، دولت به منظور افزایش کیفیت سالن‌های نمایش، بودجه عمرانی در نظر گرفته است. اما بعد از دریافت بودجه عمرانی نیز مشکلاتی از قبیل الف) تغییرات فصلی (در موارد ترمیم‌های ظاهری بنا و محوطه) ب) وجود موانع در ترمیم قسمت‌های داخلی ساختمان در زمان اجراها به علت نزدیکی سالن‌ها به یکدیگر و کندی روند اصلاحات ج) عدم وجود مواد و مصالح و جایگزین کردن مصالح با مواد دیگر و قرار گرفتن در روند طولانی اداری گرفتن مجوزها وجود دارد. این مشکلات زیرساختاری تأثیر مستقیم بر تولید و فروش تئاتر دارد. مشکلات اداری مربوط به تأیید مراجع اجرایی ذی‌صلاح نیز به این مسائل دامن می‌زند و منجر به فرسایش بیشتر ساختمان و ادوات به کار برده شده در سالن و تحمیل هزینه‌های بیشتر بر اثر استمرار نقص در ساختمان می‌شود.

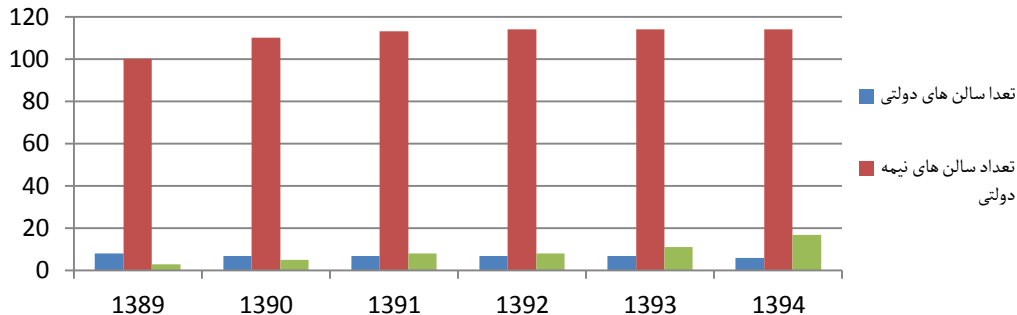
با توجه به شکل ۲ و ۳ مشاهده می‌شود که هرچه از میزان مداخله دولت در تئاتر در قالب پرداخت کمک‌هزینه تولید کاسته می‌شود، تمایل ورود بخش خصوصی به بازار افزایش یافته و تعداد سالن‌های خصوصی و نیمه‌دولتی افزایش می‌یابد. به علاوه، مشاهده می‌شود که وجود سالن‌های نیمه‌دولتی با سرمایه‌گذاری دولت اما با مدیریتی به غیر از مرکز هنرهای نمایشی نیز حائز اهمیت است. این سالن‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه هنرمندان قرار گرفته و با این که اولویت هنرمندان سالن‌های دولتی است، اما به علت شرایط سخت و نبودن زمان مناسب اجرا، این سالن‌ها به تدریج سهم بیشتری از اجراها را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - Peacock

<sup>۲</sup> - Infrastructure

به مجموعه‌ای از عوامل و روابط اقتصادی و اجتماعی، واژه زیرساختار اطلاق می‌شود (ساملی، ۲۰۱۰). زیرساختارها به دو دسته اقتصادی و اجتماعی و در دو مجموعه نرم و سخت تقسیم‌بندی می‌شوند. زیرساختارهای اقتصادی نرم مانند: آموزش‌های حرفه‌ای، نهادهای مالی، انتقال تکنولوژی، سرمایه انسانی، تسهیلات تحقیق و توسعه، حمایت‌های صادراتی؛ زیرساختارهای اقتصادی سخت مانند: جاده‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، برق، مخابرات؛ زیرساختارهای اجتماعی نرم مانند: تأمین اجتماعی، مؤسسات محافظت از محیط زیست، بیمه‌های عمومی، سرمایه اجتماعی؛ زیرساختارهای اجتماعی سخت مانند: بیمارستان‌ها، مدارس، مخازن آب، خانه‌های سالمندان (گریسی و لوئیس، ۲۰۰۴، ص. ۲۳-۲۱).

<sup>۳</sup> - یافته‌های پژوهش بر اساس اسناد مرکز هنرهای نمایشی.



شکل ۳- تعداد سالن‌های اجرای تئاتر.

### ب) انحرافات قیمتی (مداخله‌های قیمتی)

«اصلاح قیمت‌ها غایت توسعه نیست، ولی قیمت‌های نادرست به بی‌فرجام ماندن توسعه منجر می‌شود» (تیمر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳: ۷۶). در بعضی از موارد، دولت با پرداخت یارانه‌های متفاوت چه به صورت پرداخت کمک‌هزینه و چه در اختیار قرار دادن سالن‌های تئاتر، و... منجر به انحراف در قیمت نهادها و یا ستانده تئاتر می‌شود. بدین صورت که دولت با در اختیار قرار دادن سالن‌های دولتی به قیمت‌های پایین‌تر و گاهی بالاتر از قیمت‌های بازار، منجر به انحراف قیمت نهاده‌های تولید می‌گردد. همچنین، پرداخت یارانه به بلیت که باعث کاهش قیمت بلیت شود می‌تواند قیمت ستاده (بلیت) را منحرف نموده و منجر به تصمیم غلط تولیدکننده یا مصرف‌کننده و ناکارایی بازار گردد.

### ج) سیاست‌های صلاح‌دیدی

از آنجایی که مداخله دولت در تئاتر به صورت تخصیصی نبوده و قوانین تصویب شده با ماهیت این هنر هم‌خوانی نداشته است، سازمان‌ها و مدیران مرتبط مجبور به انجام رفتارهای صلاح‌دیدی برای پیش‌برد مسائل مربوط شده‌اند.<sup>۲</sup> فقدان قوانین روشن و قاعده‌مند باعث بروز مشکلات برای تولیدکننده و متولی این هنر می‌گردد.

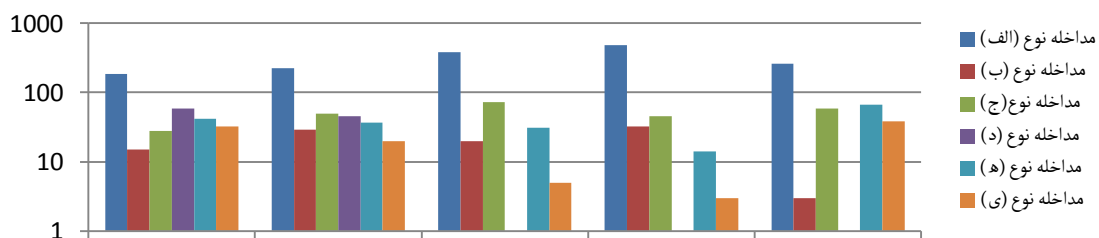
در ایران، دولت در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ به شش روش در بازار تئاتر مداخله داشته و هر کدام از این مداخله‌های تأثیر متفاوتی بر کارایی تولید تئاتر داشته است. گروهی از این مداخلات دولت، مداخلات قیمتی هستند. به طور مثال: تخصیص بودجه به منظور تولید تئاتر،

<sup>۱</sup> - Timmer

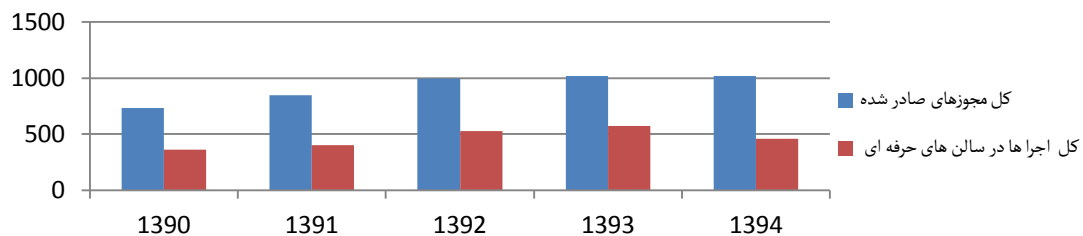
<sup>۲</sup> - به طور مثال، سالن نمایش بلک‌باکس نیازمند تهویه مناسب و کولر گازی می‌باشد، اما بر اساس قوانین، سازمان‌های دولتی مجاز به استفاده از وسایل پرمصرف (کولرگازی و پرژکتورهای قوی) نیستند. بنابراین، مدیران با روش‌های دیگری مبادرت به خرید این تجهیزات برای سالن‌ها می‌ورزند تا بتوانند شرایط را برای اجرا آماده سازند. این مشکلات ناشی از عدم تطابق قوانین با این هنر است.

نوعی از مداخله‌های قیمتی محسوب می‌شود. در مورد مداخله‌های قیمتی دولت نیز مشکلات زمان‌بر بودن و عدم پرداخت به موقع کمک‌هزینه تولید نیز در تئاتر وجود دارد؛ به گونه‌ای که زمان دریافت این بودجه بین چند ماه تا یک سال بسته به قدرت چانه‌زنی تولیدکننده متغیر است.

با توجه به شکل‌های ۴ و ۵، نشان داده می‌شود که تمایل دولت به مداخله در بازار تئاتر چگونه در نوسان بوده است. این نمودار حاکی از عدم وجود برنامه مشخص برای مداخله می‌باشد.



شکل ۴- انواع مداخله‌های دولت (به صورت جزئی).



شکل ۵- انواع مداخله‌های دولت (به صورت کلی)؛ منبع: یافته‌های تحقیق.

#### د) مقررات‌زایی

روش دیگر مداخله دولت، مقررات‌زایی به منظور بهبود کیفیت، درونی کردن پیامدهای بیرونی و کاهش شکست‌های بازار است. در ایران، دولت به واسطه پرداخت یارانه در قالب تخصیص بودجه به منظور حمایت و گسترش هنرهای نمایشی، تولید، نمونه‌سازی، توزیع هنرهای نمایشی (قوانین سیاست‌های هنرهای نمایشی و اصول و سیاست‌های فرهنگی کشور) و مقررات‌زایی به منظور منطبق بودن آثار تولید شده با قوانین کشوری (ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه) در بازار مداخله می‌کند (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۴). مثلاً هر ساله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور حمایت از بخش فرهنگ و هنر، بودجه

دریافت می‌کنند. دستگاه شماره (۳۰۲۵۹)<sup>۱</sup> برای حمایت از گسترش هنرهای نمایشی به طور تخصصی، بودجه‌ای دریافت می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد و مرکز هنرهای نمایشی به منظور اجرایی شدن این اهداف طی عقد قراردادهایی با بخش خصوصی<sup>۲</sup> (شورای حمایت، شورای ساخت به عنوان بخشی از شورای حمایت و انجمن هنرهای نمایشی) اقدام به عملی کردن برنامه‌ها با نظارت مرکز می‌نماید.

تاکنون طرح‌های زیادی برای رونق‌بخشی در تئاتر به اجرا درآمده و به دلایلی اکثر این طرح‌ها با ناکامی روبه‌رو بوده است؛ برنامه‌های دولت در رونق‌بخشی به فرهنگ، مانند: طرح آمایش فرهنگی، طرح تعاونی‌های فرهنگی، طرح جامع اشتغال در حوزه فرهنگ، اعطای تسهیلات بانکی به مشاغل فرهنگی، صندوق حمایت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و هنرمندان و معافیت‌های مالیاتی هنرمندان (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۰). در برنامه پنجم توسعه به منظور کوچک‌سازی دولت، بیشتر عملیات‌های اجرایی دولت، با نظارت آن به بخش خصوصی واگذار شد و دولت بخش اعظم هزینه‌های خود را کاهش داد. البته شایسته بود در این میان، خانه تئاتر به عنوان یک نظام صنفی، عملکرد قابل توجه‌ای داشته باشد تا در زمان مناسب بتواند به بهبود وضعیت بازار کمک نماید، اما هم‌اکنون وضعیت به گونه دیگری است و خانه تئاتر عملاً فاقد قدرت قانونی است.

منشور تئاتر ایران به منظور ایجاد سیاست‌گذاری هماهنگ و هدفمند مسیر توسعه تئاتر کشور با تأکید بر وجوه اخلاقی و حرفه‌ای تئاتر، همگام با بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر (۱۳۸۶) به عنوان سند فرادستی تئاتر کشور تدوین شد، اما از آن‌جا که کلی‌گویی و عدم انطباق آن با امور اجرایی تئاتر کشور بسیار زیاد بود، این منشور را از سندی کاربردی دور ساخت و به سندی صوری بدل کرد. در سال ۱۳۸۸ بر اساس این اصل که تئاتر کشور نیازمند تعریف جایگاه هنرمندان، حرفه‌ها و تخصص‌های فعال در عرصه تئاتر است، تا بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های انجام شده در عرصه تولید با واقعیت تطبیق پیدا کند، اداره کل هنرهای نمایشی آیین‌نامه درجه‌بندی هنرمندان تئاتر را با توافق خانه تئاتر، تنظیم و تصویب نمود و در همان سال به مرحله اجرا رسید. این آیین‌نامه نتوانست خود را با ظرفیت‌های بودجه‌ای تئاتر و ویژگی‌های تولید در این هنر منطبق سازد و شکست خورد، به طوری که اجرای این آیین‌نامه و

<sup>۱</sup> - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی اصلی هنرهای نمایشی در کشور محسوب می‌شود و هر ساله بودجه‌ای برای حمایت از تولید و نمونه‌سازی اجرایی و توزیع و عرضه هنرهای نمایشی و حمایت از برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های نمایش دریافت می‌کند. این وزارت‌خانه موظف به تبیین برنامه‌های راهبردی و تدوین ضوابط و مقررات مربوط و صدور مجوزهای فعالیت‌های مربوطه، و کمک به شرکت در جشنواره‌ها، سمینارها، همایش‌های بین‌المللی، کمک به مؤسسات و مراکز، انجمن‌ها و کانون‌ها و تشکلات صنفی نمایش است.

<sup>۲</sup> - شورای ساخت به ظاهر نهادی خصوصی است که به واسطه مدیران دولتی اداره می‌شود. در سال‌های اخیر کلیه قراردادهای تئاتر به واسطه این مرکز با عنوان انجمن هنرهای نمایشی بسته شده است.

قراردادهای تپیک تا سال ۱۳۹۲ بیشتر دوام نیاورد. هم اکنون نیز برخی از گروه‌ها بر اساس این قرارداد تپیک سطح دست‌مزد بازیگران و عوامل را تعیین می‌کنند، اما بیشتر قراردادهای درون‌گروهی بر اساس توافقات عوامل و تولیدکننده است.

در همین راستا، ششجوانی (۱۳۹۴) بیان می‌کند که مداخله‌های دولت در هنر تنها با انگیزه بهبود شرایط اقتصادی نیست. شاهد این امر بروز پدیده هنر متعهد می‌باشد که در سال‌های اخیر راه به ادبیات هنر گشوده است. از نظر وی، مداخله‌های دولت تا کنون توانایی بهبود شرایط بازار هنر را نداشته است. همچنین، این مداخله‌ها مانع نوآوری در آثار متعهد و عدم تولید بهینه آثار غیرمتعهد گشته است. خروجی این حمایت‌ها، تولید کالای بی‌کیفیت و حمایت از نخبگان خاص بوده است. در این میان، گروه‌های ذی‌نفوذ با ایجاد رانت سازمان‌یافته به دولت فشار وارد نموده‌اند که به افزایش ناکارایی بازار دامن می‌زند. همچنین، دولت با مداخله خود، بخش خصوصی را برون‌رانی کرده است.

از نظر پیکاک (۱۹۶۹) یکی از شیوه‌های کاهش هزینه قرارداد بین دولت و تولیدکنندگان، به مناقصه گذاشتن طرح مورد نظر است، اما گاهی ممکن است به علت دولتی بودن یک مجموعه، برنامه با محدودیت مواجه شود. مثلاً زمانی که یک نهاد مشغول تأمین خدمات خاص باشد، عملاً راهی برای کاهش هزینه‌های اجرایی مجموعه فوق نیست. مرحله بعد، طرح پیش‌نویس قرارداد است که در آن باید به جزئیات بسیار دقت شود. در صورتی که سازمان مورد نظر یک مؤسسه فرهنگی لازم‌الوجود باشد و تنها منبع اطلاعات مربوطه به حساب بیاید، مشکلاتی از قبیل پیچیدگی قوانین، شانس چانه‌زنی بیشتر بر سر مسائلی چون تاریخ اجرای برنامه، تضمین کیفیت تولید، انواع قراردادهای بسته شده با بازیگران، کارکنان بخش اداری و... را در پی خواهد داشت. بنابراین، وجود قوانین بدون پیچیدگی‌های نظارتی و اجرایی ضروری است. همچنین، با توجه به قوانین عمومی حاکم، نحوه برخورد با عدم پرداخت هزینه نیز تعیین شود (البته در این زمان ضرورت وجود نظام صنفی قدرتمند در سهولت و سرعت بازپرداخت‌ها بسیار مؤثر است). مثلاً در گذشته (و تا حدودی در حال حاضر) قرارداد نمونه یا تپیک میان مرکز هنرهای نمایشی و تولیدکنندگان تئاتر اجرا می‌شد که به دلیل مشکلات صنفی، عدم هماهنگی تعداد قراردادهای بسته شده با بودجه تخصیص‌یافته، عدم رشد مناسب دست‌مزدها با محدودیت تخصص‌های مختلف در تولید تئاتر و... خالی از مشکلات نبود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - مثلاً تناسب نرخ دست‌مزد کارگردان با بازیگر هم‌سطح خودش رعایت نمی‌شد و بازیگران به علت آزادی عمل مشارکت در اجراهای متفاوت در یک سال و محدودیت کارگردان به اجرای یک یا در بهترین حالت دو اثر در سال، منجر به ایجاد اختلاف سطح دست‌مزد بسیار زیاد بین این دو می‌شد. بازیگران قدرت چانه‌زنی بالاتری نسبت به کارگردان هم‌سطح خود را داشتند؛ به گونه‌ای که در یک اجرا ممکن بود دست‌مزد بازیگر با کارگردان هم‌سطح خودش تفاوت معنی‌داری داشته باشد.

همچنین، پیکاک (۱۹۶۹) بیان می‌کند که منطق وجود چنین قراردادهایی الزام وجود یک سیستم نظارتی کارآمد است و همچنین، وجود گزارش‌های دوره‌ای جهت آشنایی با فعالیت و اطلاعات گسترده ضروری است. در نهایت، در صورت وجود شرایط تعیین‌شده، موارد خطا مشخص شود. این مسئله تنها وظیفه طرف قرارداد نیست، بلکه گاهی آن‌چه اتفاق افتاده فراتر از قرارداد است. پیش‌بررسی شرایط نیز وظیفه طرف قرارداد است. در سطح مدیریت، به کارگیری روشی که به حفظ تعادل بین طرفین کمک کند بسیار ضروری است.

در بخش‌های تجاری نیز عملی نشدن بخشی از قرارداد ممکن است به پرداخت غرامت توسط عامل اصلی بیانجامد. این در صورتی است که شیوه‌های جبران خسارت در قرارداد اصلی به عهده شخص مشخصی و یا دادگاه و مراجع قانونی و امکان استفاده از بیمه در شرایط خاص مشخص شده باشد، اما چنین اقداماتی در مورد تئاتر بسیار محدود است و تعریف کیفیت محصول ارائه شده در چارچوب یک استاندارد خاص از شاخه‌های عملکرد نشأت می‌گیرد. ارائه یک تعریف محدود از کیفیت نمی‌تواند راهگشا باشد و تنها پس از ارائه نهایی کار امکان‌پذیر است. بنابراین، بیشتر تئاترها تا قبل از بازبینی دارای هزینه‌های غرق شده<sup>۱</sup> هستند.

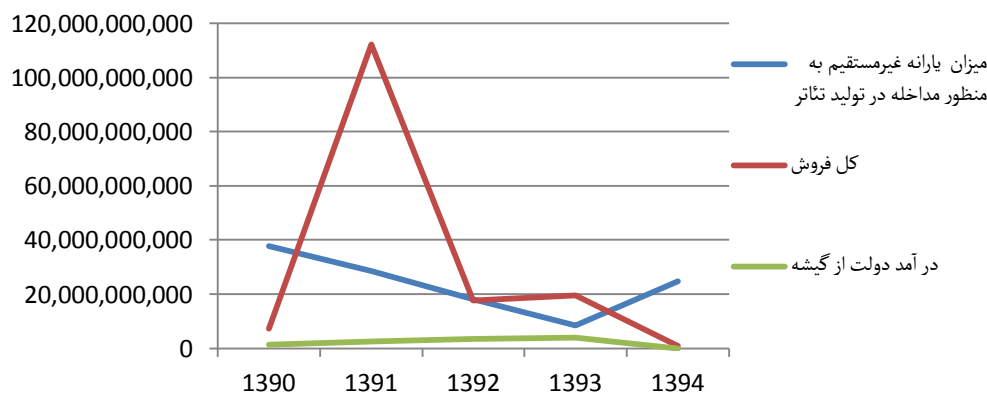
این پیشنهادها می‌تواند تنها برای شروع یک الگوی پویا از سازمان‌های حامی هنر باشد و در اکثر موارد، پرداخت کمک‌هزینه‌های عمومی منجر به ایجاد نارضایتی می‌شود و ممکن است افراد ناراضی در تلاش برای تغییر قوانین حاضر به عمل آیند؛ که این امر به طور قابل ملاحظه‌ای از طریق افراد بانفوذ که خارج از زمینه هنر هستند و از طریق روابط سیاسی فعالیت می‌کنند صورت می‌پذیرد. علاقه‌مندی سیاستمداران به هنر در اکثر موارد به این منظور است که مشارکت در فعالیت‌های هنری بیشتر از آنچه که مشارکت در فعالیت‌های سیاسی برای سیاستمداران سودآور باشد، سودآور است و جایگاه سیاسی آن‌ها را در ذهن عموم مثبت و ارزشمند می‌سازد (پیکاک، ۱۹۶۹: ۱۶۲).

برخی از موارد حاکی از این نکته است که دولت در بین سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ با پرداخت‌های مستقیمی به عنوان هزینه تولید و توسعه تئاتر در بازار مداخله داشته است. در سال‌های گذشته پیچیدگی روابط بین دولت و سازمان‌های مرتبط، عدم برنامه مشخص در طول سال به منظور مداخله در بازار، عدم تطابق قوانین در حوزه تولید و اجرا، حتی رشد نامتوازن فارغ‌التحصیلان تئاتر و ورود آن‌ها به بازار، عدم هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط و نداشتن برنامه مشخص در سطح کلان و... منجر شده که نه تنها در کمیت سطوح مداخله، بلکه در

<sup>۱</sup> - Sunk Costs

تدوین و یا تشخیص هدف این سازمان‌ها نواقصی ایجاد شود و صلاحدید در اولویت انتخاب نوع مداخله قرار گیرد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد مداخله‌های قیمتی، یکی از روش‌های مداخله دولت در بازار به حساب می‌آید. بدین منظور دولت برای تئاتر دو نوع بودجه در نظر می‌گیرد الف) بودجه بخش عمرانی و ب) بودجه تولیدی تئاتر که از یکدیگر تفکیک شده‌اند. به منظور دریافت هر یک از این بودجه‌ها باید مراحل متفاوتی را طی نمود. امور عمومی سالن‌های دولتی، مرجع درخواست‌کننده بودجه عمرانی تئاتر از وزارت فرهنگ و ارشاد است. مدت زمان دریافت بودجه بسته به مبلغ درخواستی، متفاوت است. با وجود این که تولید تئاتر از حساسیت بالایی نسبت به زمان برخوردار است، این فرآیند دریافت بودجه از قاعده خاصی تبعیت نمی‌کند. به علت زمان‌بر بودن مراحل دریافت بودجه در زمان بروز مشکل، همواره مدیران سالن‌ها برای رفع مشکلات ایجاد شده در سالن‌ها از روش‌های متفاوتی بهره می‌گیرند. به طور مثال، بخشی از بودجه‌های مربوط به تولید تئاتر، را صرف هزینه‌های جاری سالن‌ها و یا برطرف نمودن مشکلات اساسی در زمان یک اجرا می‌نمایند، زیرا مراحل درخواست بودجه به منظور حل کردن مشکلات غیر قابل پیش‌بینی در حین اجرا بسیار طولانی است و منجر به ایجاد مشکل در عرضه اثر در حال اجرا می‌شود.



شکل ۶- یارانه مستقیم، فروش، درآمد دولت از گیشه؛ منبع: خلاصه مصوبات شورای حمایت از سال ۹۴-۹۰.

در نمودار (۶) میزان بودجه تئاتر و مقایسه آن با فروش گیشه، مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که نمودار (۶) بیانگر اطلاعات مربوط به اجراها در سالن‌های دولتی است، اما به دلیل پیچیدگی قوانین و زمان‌بر بودن فرآیندها، این افزایش بودجه به اندازه مورد انتظار اثربخش نبوده و بهتر است بودجه قبل از هر اجرا پرداخت شود.



## ۵- مداخله دولت و کارآیی تولید در بازار تئاتر ایران

در این پژوهش، دو شاخص کارآیی تولید تئاتر و میزان مداخله دولت برای بررسی ۱۱۵ نمونه تئاتر اجرا شده، در فاصله سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ استخراج شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. به منظور محاسبه میزان مداخله دولت ( $I$ ) از رابطه (۱) بهره‌گرفته شده است. در این رابطه، کل مبلغ پرداختی مستقیم دولت با  $S$  و یارانه سالن و پلاتو با  $K_G$  و سهم دولت از گیشه و مالیات (مالیات یارانه و گیشه<sup>۱</sup>) اجرا با  $T$  و هزینه کل یک اجرا نیز با  $TC$  نشان داده می‌شود:

$$I = \frac{S+K_G-T}{TC} \times 100 \quad (1)$$

به منظور محاسبه کارآیی نیز از رابطه (۲) استفاده شده است:

$$E = \frac{(AP_L/P_L)}{(AP_K/P_K)} \times 100 \quad (2)$$

در این رابطه، ( $E$ ) شاخص کارآیی از تقسیم نسبت ( $MP_L/P_L$ ) به ( $MP_K/P_K$ ) محاسبه شده است.  $P_K$  به عنوان قیمت سرمایه،  $P_L$  قیمت نیروی کار،  $MP_K$  به عنوان بهره‌وری متوسط سرمایه و  $MP_L$  نیز به عنوان بهره‌وری متوسط نیروی کار محاسبه شده است. همچنین، به منظور درک بهتر از موضوع با توجه به نمودارهای (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰) و (۱۱) به بررسی کارآیی تئاترهای اجرا شده، پرداخته شده است. باید بیان نمود که تئاترهای اجرا شده هم زمان تحت تأثیر یک و یا چند نوع از مداخله‌های دولت قرار گرفته‌اند. با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه و بهره‌مندی از انواع مداخله‌های دولت، در پژوهش پیش‌رو به منظور درک درستی از انواع مداخله‌های با استناد به نظرات خبرگان تئاتر، شش نوع مداخله دولت در تولید تئاتر شناسایی شده و به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

- نوع اول مداخله: فقط در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا برای اثر تولید شده؛
- نوع دوم مداخله: در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به‌علاوه سالن نمایش و چند در صد از گیشه؛
- نوع سوم مداخله: در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به‌علاوه سالن نمایش، چند در صد از گیشه و بخشی از مخارج اجرا در قالب کمک‌هزینه تولید؛

<sup>۱</sup> - مالیات یارانه ۳٪ تا ۵٪ و مالیات گیشه نیز از ۰٪ تا ۵٪ متغیر بوده است. اما، این مبالغ دریافتی با استناد به ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌ها قابل برگشت بوده است.

- نوع چهارم مداخله: در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا، سالن نمایش، چند درصد از گیشه، تأمین کلیه هزینه‌های تولید؛
- نوع پنجم مداخله: در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا و بخشی از مخارج اجرا در قالب کمک‌هزینه؛
- نوع ششم مداخله: سایر انواع مداخله‌های دولت که عمومیت کمتری دارند در این دسته خلاصه شده‌اند.

اما، در روند پژوهش به علت عدم وجود اطلاعات کافی و محدودیت‌های تحقیق، نوع ششم مداخله حذف گردید.

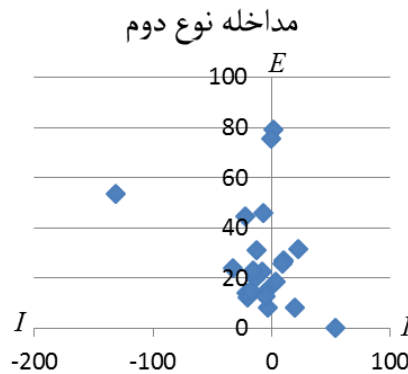
با توجه به شکل ۷ مداخله دولت در بازار در حداقل است (فقط در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا)، میزان مداخله بازار از  $-0/6$  تا  $+0/3$  متفاوت است. با توجه به نمودار فوق، مشاهده می‌شود که سطح مداخله دولت در این بخش در اکثر موارد صفر و در برخی از موارد منفی بوده است. به زبانی دیگر، نه تنها به تولیدکننده کمک‌هزینه پرداخت نشده، بلکه مبلغی نیز به عنوان مالیات بر درآمد از تولیدکننده (کارگردان یا تهیه‌کننده) اخذ شده است، لازم به ذکر است قانون معافیت مالیاتی وجود دارد اما، برخی از تولیدکنندگان تئاتر بنا به دلایلی به دنبال استفاده از این قانون نبوده‌اند.



شکل ۷- مداخله دولت و کارآیی تولید (مداخله نوع اول).

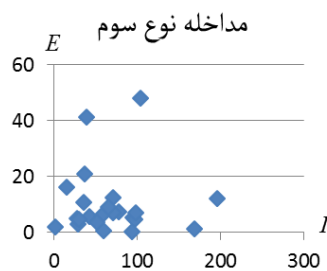
شکل ۸ بیانگر نوع دوم مداخله دولت در بازار است (فقط در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به علاوه چند درصد از گیشه). مشاهده می‌شود که بیش‌ترین میزان کارآیی بازار در بهترین حالت بیش از  $50\%$  و کم‌ترین آن حدود  $150\%$  است. با توجه به نمودار فوق، مشاهده می‌شود شدت مداخله دولت در این بخش در اکثر موارد بین  $22\%$  تا  $50\%$  است. به عبارت دیگر،

دولت با در اختیار قرار دادن سالن به قیمت غیرواقعی منجر به انحراف در قیمت‌های تعادلی بازار گشته و در نتیجه، باعث انحراف در رفتار تولیدکننده تئاتر و به تبع ناکارایی در تولید شده است.



شکل ۸- دولت و کارایی تولید (مداخله نوع دوم).

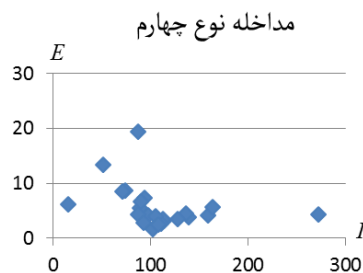
شکل ۹ بیانگر نوع سوم مداخله دولت در بازار است (فقط در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به علاوه چند درصد از گیشه سالن‌های دولتی و پرداخت کمک‌هزینه تولید). مشاهده می‌شود که بیش‌ترین میزان کارایی بازار در بهترین حالت بیش از ۴۰٪ و کم‌ترین آن حدود ۰٫۰۹٪ است. با توجه به نمودار فوق، شدت مداخله دولت در این بخش در اکثر موارد بین ۲۰۰٪+ تا ۲٪- است که این نشان‌دهنده صلاح‌دید بودن مداخله و حمایت از نخبگان خاص است.



شکل ۹- دولت و کارایی تولید (مداخله نوع سوم).

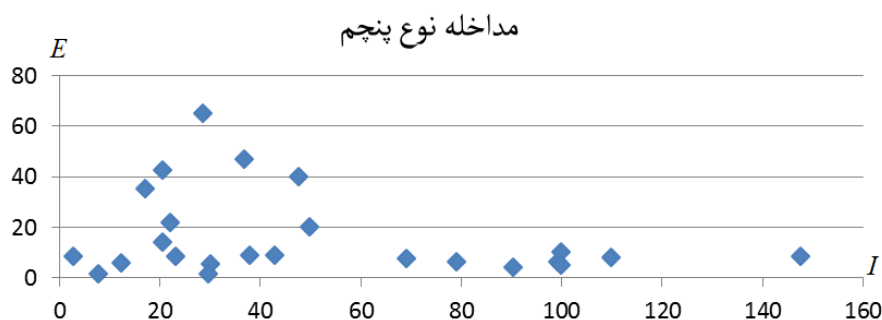
شکل ۱۰ بیان‌گر نوع چهارم مداخله دولت در بازار است (در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به علاوه، پرداخت کل هزینه تولید و چند درصد از گیشه). مشاهده می‌شود که بیش‌ترین

میزان کارآیی بازار در بهترین حالت ۱۹٪ و کم‌ترین آن حدود ۱,۶٪ است. با توجه به نمودار فوق، مشاهده می‌شود که شدت مداخله دولت در این بخش در اکثر موارد بین ۵۰٪ تا ۱۵۰٪ است. این نمودار بیان می‌نماید که برخی از تولیدکنندگان حتی مبلغی برابر با بیش از دو برابر هزینه تولید را از دولت دریافت نموده‌اند و این در حالی است که میزان کارآیی ایجاد شده برای تولید در بهترین وضعیت نیز کمتر از ۲۰٪ است.



شکل ۱۰- دولت و کارآیی تولید (مداخله نوع چهارم).

در نهایت، شکل ۱۱ نشان‌دهنده نوع پنجم مداخله دولت در بازار (در قالب صدور مجوز و پروانه اجرا به‌علاوه پرداخت کمک‌هزینه تولید) است. مشاهده می‌شود که بیش‌ترین میزان کارآیی بازار در بهترین حالت ۶۹٪ و کم‌ترین آن حدود ۱,۵٪ است. با توجه به نمودار فوق، شدت مداخله دولت در این بخش در اکثر موارد بین ۲۰٪ تا ۱۲۰٪ است. این نمودار بیان می‌نماید که برخی از تولیدکنندگان حتی مبلغی برابر با بیش از دو برابر هزینه تولید را از دولت دریافت نموده‌اند و این در حالی است که میزان کارآیی ایجاد شده برای تولید در اکثر موارد کمتر از ۵۰٪ است.



شکل ۱۱- دولت و کارآیی تولید (مداخله نوع پنجم).

با توجه به این نکته که هنر می‌تواند به عنوان عاملی برای بهبود سطح زندگی (ابینگ، ۱۳۹۲، ترجمه ششجوانی)، ایجاد آرامش (توس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰)، توسعه اقتصادی (تراسبی، ۱۳۹۳، ترجمه فرهادی) و عنصری ارزشمند در جهت بهبود فرآیند آموزش اجتماعی و ارتقای سطح فرهنگ عمل نماید. اما، نمودارهای کارآیی و مداخله، وضعیت کنونی تولیدات تئاتر در کشور ایران بیانگر این موضوع است که با توجه به مداخله‌های متفاوتی که دولت انجام داده است، آثار تولید شده نتوانسته به سطح کارآیی تولید دست یابند.

### ۶- توصیه‌های سیاستی

در عصر حاضر دیگر مسئله مداخله کردن و یا عدم مداخله در بازار مطرح نیست، بلکه مسئله چگونگی نحوه مداخله در بازار و میزان بهینه آن (مرز کارآیی مداخله دولت) است. توجیه اصلی برای مداخله دولت در بازار، برطرف نمودن شکست بازار است، اما همیشه مداخله‌های دولت باعث افزایش کارآیی بازار نشده و گاهی مداخله‌های نادرست دولت، منجر به شکست دولت می‌گردد. در همین راستا، دولت از طریق توسعه زیرساختار، مقررات‌زایی، انحرافات قیمتی و غیره سعی در رفع نواقص بازار داشته است. با این وجود، مداخله‌های دولت نتوانسته است ارتقای سطح کمی و کیفی تولیدات تئاتر را به همراه داشته باشد. بنابراین، مرور تجربه ایران از رابطه مداخله دولت، کارآیی تولید تئاتر حاوی دلالت‌هایی سیاستی به شرح زیر است:

۱- با توجه به نمودار شماره (۴) و (۶) پیچیدگی قوانین و زمان‌بر بودن فرآیندها به ضرر کارآیی تولیدی است؛ احتمال بروز رانت حاصل از پیچیدگی در قوانین، منجر به انحراف از اهداف می‌شود. پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش پیچیدگی قوانین کلیه قوانین به صورت شفاف اعلام شود و قوانین به گونه‌ای باشد که با تغییر مدیریت تغییری در اجرای آن صورت نگیرد. مداخله باید کمترین هزینه بالاسری و اجرایی را به دولت تحمیل کند، زیرا پیچیدگی در اجرای قوانین منجر به تحمیل هزینه‌های بیشتر به دولت شده و کارآیی اجتماعی آن مداخله را کاهش خواهد داد. در واقع، دولت‌ها تنها قادر هستند فرآیندهای ساده با محتوای اطلاعاتی کم و پیچیدگی کم را با موفقیت به سرانجام رسانند.

۲- با نظر به این نکته که وجود انحرافات قیمتی در بازار منجر به انحراف رفتار هنرمندان از وضعیت بهینه می‌شود، پیشنهاد می‌شود دولت با اصلاح قیمت در بازار، به کارآیی

<sup>1</sup> - Towse

تولیدات کمک نماید. هرگونه مداخله دولت باید به گونه‌ای باشد که منجر به انحراف قیمت‌ها در بازار نگردد، زیرا انحراف قیمت‌ها منجر به دریافت غلط تولیدکننده و یا مصرف‌کننده از وضعیت بازار شده و در نهایت، منجر به انحراف انگیزه‌های آن‌ها و به تبع آن، ناکارایی بازار می‌گردد. این انحرافات قیمتی می‌تواند در قیمت ستاده (بلیت) و یا قیمت نهاده‌های تولید (مانند سالن، پلاتو و...) اتفاق بیافتد. با توجه به نمودار (۳)، (۵) و (۶) یکی از این انحرافات قیمتی، به صورت اجاره دادن سالن به قیمت‌های غیرواقعی توسط دولت است که منجر به انحراف قیمت این نهاد سرمایه‌ای می‌گردد و در نهایت، به ایجاد ناکارایی تولید می‌انجامد. در این مورد، پیشنهاد می‌شود دولت سالن‌های خود را به قیمت واقعی بازار به هنرمندان اجاره دهد و در تخصیص این سالن‌ها به نمایش‌های مختلف هم ملاحظات صلاح‌دیدگی خود را اعمال ننماید. در این صورت، انگیزه‌ها و رفتار کارگردانان هم منحرف نخواهد شد و قادر خواهند بود تصمیمات بهینه‌ای را اتخاذ نمایند و در نهایت، به نقطه حداکثری کارایی در تولید دست پیدا کنند.

۳- با توجه به نمودارهای (۷) تا (۱۱)، دولت می‌بایست با پرهیز از اعمال سیاست‌های صلاح‌دیدگی، سیاست‌هایی مبتنی بر قواعد از پیش تعیین‌شده و اعلام‌شده را اتخاذ نماید. پیشنهاد می‌شود که دولت علاوه بر پرهیز از هر گونه سیاست‌های صلاح‌دیدگی، قوانین روشن و واضحی تدوین نماید و در اجرای قوانین نیز از هر گونه پیچیدگی<sup>۱</sup> یا مستثنی کردن نخبگان خاص در اجرای آن دوری نماید. در واقع، این به نفع آن دسته از هنرمندانی است که به منظور تولید با کیفیت به دنبال رانت‌جویی نبوده و در نهایت، تولید با کیفیتی را ارائه می‌دهند.

۴- با توجه به نمودارهای (۱) و (۲) پیشنهاد می‌شود دولت به جای تشدید مقررات‌زایی، روند صدور مجوزهای اجرا را تسهیل نماید و با توسعه زیرساختارهای تولید شرایط را برای مقررات‌زدایی در حد بهینه ایجاد نماید. همچنین، بیشتر بودجه تولید‌تاثیر را صرف توسعه زیرساختارها نماید، تا به این وسیله بتواند با هزینه‌ای کمتر (تلاش کمتر برای مقررات‌زایی)، سیاست‌هایی اثربخش‌تر را اعمال کند.

۵- در باب مقابله با رفتار صلاح‌دیدگی مدیران نیز پیشنهاد می‌شود همواره دولت، مبلغی مشخص به منظور حمایت از هر اثر تثاتی صرف‌نظر از هر موضوع دیگری (ژانر، شهرت هنرمند و غیره) را بدون هیچ صلاح‌دیدگی به همه آثار در حال تولید به طور

<sup>۱</sup> - هایامی (۲۰۰۵) بیان می‌کند، دلیل اصلی موفقیت سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت در کشورهای پیشگام توسعه، سادگی این سیاست‌ها بود. در حقیقت، مشکلات اطلاعاتی یکی از دلایل «شکست دولت» است.

یکسان قبل از هر اجرا تخصیص دهد. چنین سیاست‌هایی منجر به کاهش هزینه‌های سازمان اجرایی دولتی می‌شود.

## منابع

### الف) فارسی

- ۱- ایبگ، هانس (۱۳۹۲). درآمدی بر اقتصاد استثنایی هنر؛ چرا هنرمندان فقیرند، ترجمه حمیدرضا شش‌جوانی، اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر اصفهان.
- ۲- پیکاک، آلن (۱۳۷۶). اقتصاد فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی، ترجمه محمد بیگی و علی اعظم، تهران: سازمان چاپخانه و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- تراسی، دیوید (۱۳۸۷). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- ۴- فتحی، بهروز (۱۳۹۲). سالنامه آماری فرهنگ و هنر، تهران: نشر شلاک.
- ۵- فریدمن، میلتون (۱۳۶۷). آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران: نشر پارس.
- ۶- گینزبرگ، ویکتور و تراسی، دیوید (۱۳۹۲). اقتصاد هنر، ترجمه محمدرضا مریدی، مریم لای، معصومه تقی‌زادگان و زهرا شریعتی‌فر، مشهد: انتشارات بدخشان.
- ۷- مریدی، محمدرضا و تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی بخش فرهنگ: ارزیابی طرح کلان رونق بخشی به بازار هنر ایران در دهه ۱۳۸۰، فصلنامه جامعه‌شناختی ایران. تهران، شماره (۲): ۱۰۹-۱۳۱.

### ب) انگلیسی

- 8- Adelman, I. (2000). *The Role of Government in Economic Development*. F. Tarp (Ed.), 48-79. Routledge, London: Aghio
- 9- Anderson, K., & Hayami, Y. (1986). *The Political Economy of Agricultural Protection* (Sydney: Allen ft Unwin).
- 10- Baumol, W. J. & Bowen, W. G. (1967). *Performing Arts: The Economic Dilemma*. Twentieth Century Fund. New York: The Twentieth Century Fund.
- 11- Baumol, W. J. (1993). *Health Care, Education and the Cost Disease: A Looming Crisis for Public Choice*. *Public Choice*, (77), 17-28.
- 12- Berleant, A. (1980). *Subsidization of Art as Social Policy*. *Journal of Cultural Economics*, (4), 63-72.
- 13- Borgonovi, F. (2005). *Public Policy and the Performing Arts: Intended and Unintended Consequences of Public Subsidies*. Thesis the University of London for the degree of Doctor of Philosophy. London: School of Economics and Political Science.
- 14- Brundtland, G. H. (2000). *Mental Health in the 21st Century*. *Bulletin of the World Health Organization*, (78)4, 411-411.
- 15- Caves, R. E. (2000). *Creative Industries: Contracts between Art and Commerce*. Cambridge: Harvard University press.
- 16- Culyer, A. J. (2010). *The dictionary of health economics*. Edward Elgar Publishing.
- 17- Clark, C. & Jung, C. (2002). *Implications of the Asian Flu for Developmental State Theory: The Cases of South Korea and Taiwan*. *Asian Affairs: An American Review*, (29)1, 16-42.
- 18- Cwi, D. (1980). *Public Support of the Arts: Three Arguments Examined*. *Journal of Cultural Economics*, (4)2, 39-62.
- 19- Danto, A. C. (1981). *The Transfiguration of the Commonplace*. Cambridge: Harvard University Press.
- 20- Davidson, J. (1984). *Tax-Related Development Strategies for Local-Government*. *Real Estate Law Journal*, (13)2, 121-140.

- 21- Daude, C., Yeyati, E. L., & Nagengast, A. J. (2016). On the Effectiveness of Exchange Rate Interventions in Emerging Markets. *Journal of International Money and Finance*, 64, 239-261.
- 22- Fazioli, R. & Filippini, M. (1997). Cost Structure and Product Mix of Local Public Theatres. *Journal of Cultural Economics*. (21), 77-86.
- 23- Feld, A. L. (2008). Revisiting Tax Subsidies for Cultural Institutions. *Cultural Economics*. (32), 275-279.
- 24- Frey, B. S. (1999). State Support and Creativity in the Arts: Some New Considerations. *Journal of Cultural Economics*. (23), 71-85.
- 25- Frey, B. S. (2000). *Arts and Economics: Analysis and Cultural Policy*. Berlin: Springer Verlag.
- 26- Grimsey, D. & Lewis, M. (2004). *Public Private Partnerships: The Worldwide Revolution in Infrastructure Provision and Project Finance*. Edward Elgar. Cheltenham: UK.
- 27- Hayami, Y. (2005). *Development Economics: From the Poverty to the Wealth of Nations*. Oxford University Press.
- 28- Hayek, F. A. (1971). *Tiger by the Tail*. Ludwig von Mises Institute. A (4).
- 29- Hirschman, A. O. (1958). *The Strategy of Economic Development* (No. HD82 H49).
- 30- Horowitz, H. (1988). Public Support for Art: Viewpoints Presented at The Ottawa Meeting S. *Journal of Cultural Economics*. (13), 1-20.
- 31- Hume, D. (1742). *Of Delicacy in Taste and Passion*. In: Hume, D. (Ed.), *Essays, Moral, Political and Literary*. Liberty Fund, Indianapolis.
- 32- Keynes, J. M. (1936). *The General Theory of Employment, Interest and Money*. Macmillan: London.
- 33- Krueger, A. O. (1974). The Political Economy of the Rent Seeking Society. *American Economic Review*. (64)3, 291-303.
- 34- La Porta, R, Lopez-de-Silanes, F. & Shleifer, A. (2002). Government Ownership of Banks. *Journal of Finance*. (57)1, 256-266. Lange, M., Bullard, J., Luksetich, W. & Jacobs, P. (1985). Cost Functions for Symphony Orchestras. *Journal of Cultural Economics*. 9, 71-85.
- 35- Lin, J., Cai, F., & Li, Z. (1998). Competition, Policy Burdens, and State-owned Enterprise Reform. *American Economics Review*. 88, 422-427.
- 36- Lindsay, C. M. (1969). Option Demand and Consumer's Surplus. *The Quarterly Journal of Economics*. (83)2, 344-346.
- 37- Mathur, I., & Marcelin, I. (2015). Institutional Failure or Market Failure?. *Journal of Banking & Finance*, 52, 266-280.
- 38- McCain, R. A. (1982). Optimal Subsidies to the Arts in a Shortsighted World. *Journal of Cultural Economics*, 6, 15 - 32.
- 39- Menger, C. (1871). *Grundsätze der volkswirtschaftslehre*. (1).
- 40- O'Hagan, J. (1998). *The State and the Arts. An Analysis of Key Economic Policy Issues in Europe and the United States*. Cheltenham: Edward Elgar
- 41- Peacock, A. (1969). *Welfare Economics and Public Subsidies to the Arts*. *Manchester School of Economic and Social Studies*. 4 (December). 323-35.
- 42- Pennathur, A., Smith, D., & Subrahmanyam, V. (2014). The Stock Market Impact of Government Interventions on Financial Services Industry Groups: Evidence from the 2007-2009 Crisis. *Journal of Economics and Business*, 71, 22-44.
- 43- Polanyi, K. (1957). *The Great Transformation: (The Political and Economic Origin of Our Time)*. Boston: Beacon Press.
- 44- Russell, M. (1980). Comments on Art Subsidy- Distribution Effects and the Public Purse. *Journal of Cultural Economics*. (4), 75 -80.
- 45- Samli, A. C. (2010). *Infrastructuring: The Key to Achieving Economic Growth, Productivity, and Quality of Life*. Springer Science & Business Media.
- 46- Schiff, M., & Valdés, A. (1992). A Synthesis of the Economics in Developing Countries. (4) of *The Political Economy of Agricultural Pricing Policy*. World Bank Comparative Studies. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- 47- Schulze, G. G., & Ursprung, H. W. (2000). La Donna e Mobile-or Is She? Voter Preferences and Public Support for the Performing Arts. *Public Choice*. (102)1-2, 129-147.
- 48- Smith, A. (1776/1976). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, eds. R. H. Campbell, A. S. Skinner and W. B. Todd, 2 Vols., Oxford, Clarendon Press.
- 49- Stiglitz, J. E. (1994). *The Role of the State in Financial Markets*. *Proceedings of the World Bank Annual Conference on Economic Development 1993*. Washington: World Bank.
- 50- Timmer, C. P. (1973). Choice of Technique in Rice Milling on Java. *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, (9)2, 57-76.



- 51- Towse, R. (2010). *A Textbook of Cultural Economics. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.*
- 52- Throsby, D. (2001). *Economic and Culture. Cambridge University Press. Cambridge.*
- 53- Vaughan, R. J. (1977). *The Use of Subsidies in the Production of Cultural Services. Journal of Cultural Economics. (1)1, 82 -92.*
- 54- Van der Ploeg, F. (2004). *Comment. Journal of Cultural Economics. (28)4, 275 -61.*
- 55- Von Benda – Beckman F. & T. Van Meijl (eds.) (1999). *Property Rights and Economic Development. London: Kegan Paul.*
- 56- Yeyati, L. E., Micco, A., Panizza, U., Detragiache, E., & Repetto, A. (2007). *Are Appraisal of State-Owned Banks. Journal of Cultural Economics. (7)2, 209-259.*